

زندگی نامه جناب آقای حسنعلی هنجنی

جناب آقای حسنعلی هنجنی از برگزیده کارمندان وزارت امور خارجه شاهنشاهی میباشد.

آقای هنجنی در ۵ بهمن ماه ۱۳۰۵ برابر با ۲۶ ژانویه ۱۹۲۷ (۲۴۶۶ ایرانی از زمان وارد شدن صلح جویانه کوروش بزرگ به بابل) در تهران به دنیا آمد.

پس از گذراندن دوره دبستان و دبیرستان با پیروزی وارد دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی شدند.

آن سال ها همزمان ایران در تلاطم بسیار بغرنج سیاسی به سر میبرد.

نیمه های سال ۱۳۲۵ خورشیدی همزمان با ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷ ترسایی نیروهای ملی ارتش شاهنشاهی وارد آذربایجان شد و فرقه دموکرات را با یاری هایی که از سوی مردم آذربایجان شد از هم فروپاشید.

جنگ جهانی دوم و فشار هایی که در طول جنگ از سوی هم پیمانان انگلیس و روس که در زمان رضا شاه بزرگ به زور وارد ایران شده بودند و هرگونه تحمیل و فشاری را بر ایران وارد کرده بودند ایران در وضعیت ضعیفی بسر میبرد. قحطی و کمبود مواد خوراکی از یک طرف و بیکاری و تورم از طرف دیگر تمام لایه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور را زیر فشار گذاشته بود. خاک ایران در زیر مهمیز و چکمه های ارتش متفقین (شوروی، انگلیس و آمریکا) قرار داشت و شمار زیادی از اسرای جنگی به ایران کوچ داده شده بودند.

در روز سوم شهریور ۱۳۲۴ سید جعفر پیشه وری مدیر روزنامه آژیر وارد تبریز شده و اعلامیه ای مبنی بر ای خودمختاری آذربایجان داده بود و اندکی بعد مجلس ملی آذربایجان را تشکیل و حاکم شهر را بیرون کرده بودند و شهر تمام به دست نیروهای متمایل به شوروی افتاده بود.

در این دوران پر از آشوب، فرزندان ایران همچنان مشغول آموزش و تکمیل آگاهی های خود بودند و آقای حسنعلی هنجنی هم یکی از دانشجویان آن دوره است.

آقای هنجنی پس از پایان دوره دانشگاه وارد وزارت امور خارجه شده اند. آنروزها ورود به کار دولتی کار آسانی نبود ولی یک دانشجوی ممتاز با نمره های خوب را هر سازمان اداری با استقبال می پذیرفت.



پیشه وری و مزدوران همکارش

آقای هنجنی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی برابر با ۱۹۵۰ = ۲۴۸۹ وارد کار دولتی شده اند.

در آغاز کار دولتی در اداره بایگانی های وزارت امور خارجه مشغول بکار میشوند و به همین دلیل با اسناد و مدارک تاریخی مذاکرات سیاسی و معاهده ها و قرارداد های ایران آشنا می شوند و همین بنیان سواد دیپلماتیک ایشان را پایه گذاری می کند.

در سال ۱۳۳۱، ۱۹۵۲ = ۲۴۹۱ به اداره روابط فرهنگی وزارت امور خارجه منتقل و سپس در سال ۱۳۳۲، ۱۹۵۳ = ۲۴۹۲ که اداره اطلاعات و محرمانه در وزارت امور خارجه تشکیل میشود، آقای هنجنی که درایت و کار آیی و صداقت خود را نشان داده است به اداره اطلاعات و محرمانه وارد می شوند.

در نیمه های سال ۱۹۵۳ = ۲۴۹۲ به عنوان دبیر سفارت شاهنشاهی ایران در لاهه به کشور هلند میروند.

دوسال پس از آن به سفارت شاهنشاهی ایران در استکهلم (سوئد) مامور می شوند و سه سال پس از آن در سال ۱۳۳۷، برابر با ۱۹۵۸ = ۲۴۹۷ در اداره تشریفات وزارت امور خارجه مشغول بکار می شوند. اداره تشریفات وزارت امور خارجه اداره مهمی است که تجربه در کار و نظم و ترتیب و آشنایی به امور تشریفات اداری را می طلبد و دیپلمات جوان با کار آیی از عهده این ماموریت هم بخوبی بر می آید.

به پاس خدمات ارزنده، در سال ۱۳۴۰، ۱۹۶۱ = ۲۵۰۰ عازم کاتادا میشوند و به مدت دوسال در سفارت شاهنشاهی ایران در اتاوا تجربه های سیاسی و اداری بیشتری را بدست می آورند.

در سال ۱۳۴۲، ۱۹۶۳ در نمایندگی ایران در ژنو (سوئیس) تجربه های بیشتر بدست می آورند.

دوسال پس از آن به تهران برگشته و در سال ۱۳۴۴، ۱۹۶۵ به عنوان معاون اداره امور اقتصادی در وزارت امور خارجه به خدمت ادامه میدهند و سال پس از آن یعنی در ۱۳۴۵، ۱۹۶۶ در دبیرخانه وزیر امور خارجه در ارتباط مستقیم با جناب آقای اردشیر زاهدی که در پی وزارت آقای عباس آرام در ۲۲ دی ماه ۱۳۴۵، ۱۹۶۶ در کابینه شادروان آقای امیرعباس هویدا وزیر امور خارجه شده اند قرار میگیرند.

آقای هنجنی در بین سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۷ (۱۹۶۷ تا ۱۹۶۸) در دوران وزارت جناب آقای اردشیر زاهدی، ماموریت اداره بسیار مهم رمز و محرمانه وزارت امور خارجه که مستقیم با وزیر امور خارجه و وزارت دربار در ارتباط است را به عهده می گیرند.

آقای هنجنی در آغاز سال ۱۳۴۷، ۱۹۶۸ به عنوان رایزن درجه یک به پاریس اعزام و به عنوان ژنرال کنسول ایران در سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس منصوب میشوند. می شوند.

اداره امور کنسولگری ایران در پاریس که شامل اداره امور دانشجویان و کنسولی است با دانشجویان کومونیست و کنفدراسیونی که در دانشکده های فرانسه پراکنده شده اند کاردانی و زیرکی ویژه ای را می طلبد که آقای هنجنی با کادری نزدیک به ده تن این ماموریت عمده را با پیروزی پایان میبرند.

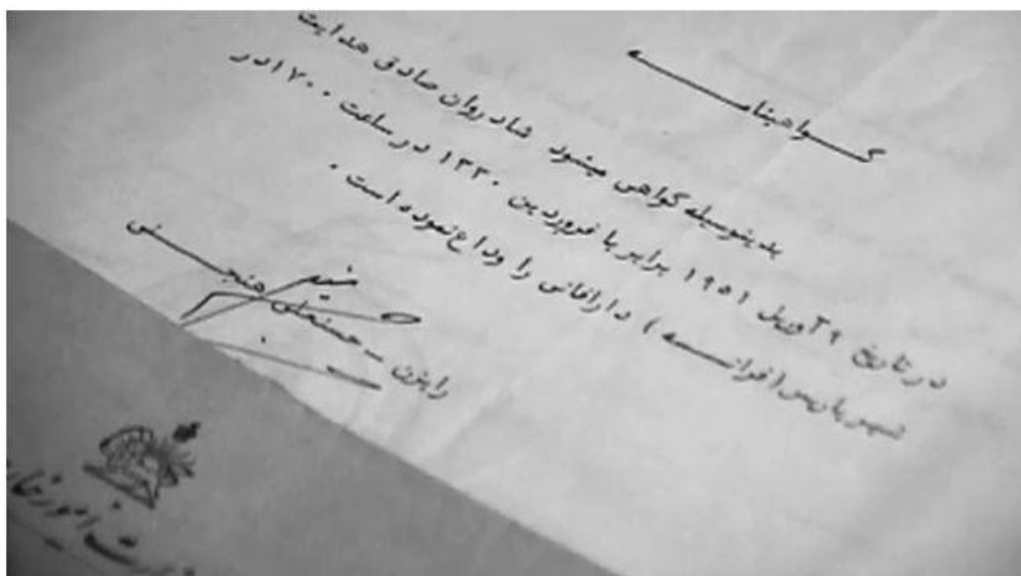
در این دوران جناب آقای هنجنی در سفارت شاهنشاهی ایران به سفارت تیمسار سرلشگر پاکروان سفیر شاهنشاه آریامهر با جناب اسد الله فهیمی در مقام معاون سفارت (نفر دوم سفارت)، و شادروان فرهاد سپهبندی همکار بوده اند.

در این دوران جشن های تاجگذاری و جشن های دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی برگزار میشوند. این دوران که همراه با دوران شکوفایی و پیشرفتهای اقتصادی ایران است؛ شمار زیادی از دانشجویان میهن پرست و آموزش دیده ای با همکاری سفیر ویژه شاهنشاه آریامهر، شادروان پرویز خوانساری، برای تکمیل

و یاری در کادرهای عمرانی و اقتصادی استخدام و به ایران اعزام میشوند تا در بازسازی و پیشرفت های ایران شرکت کنند.

در آغاز این دوره در سال ۱۹۶۸ یکبار دانشجویان چپ به سفارت ایران یورش می آورند و در حالیکه کاردار سفارت در دودلی بسر میبرد که آیا اجازه وارد شدن پلیس به سفارت و بیرون راندن دانشجویان را امضا کند یا نه، آقای هنجنی با درایت و فوریت بعنوان رایزن سفارت این اجازه را به پلیس میدهند و پلیس فرانسه بدون هیچگونه زد و خورد یا ناراحتی دانشجویان و تظاهر کننده ها را بیرون می راند و اموال دولت شاهنشاهی و ساختمان سفارت محفوظ میماند.

در این ماموریت است که وزارت امور خارجه طی نامه ای درخواست میکند تا از تاریخ دقیق مرگ صادق هدایت نویسنده و متفکر ایرانی که در سال ۱۹۵۱ در پاریس رخ داده است آگاهی بدست آورد. آقای هنجنی در مقام رایزن طی نامه ای که رویه آنرا در زیر میبینید گزارش تاریخ مرگ (خودکشی) صادق هدایت را که در سال ۱۹۵۱ رخ داده است را امضا می کنند.



در دوران کاریر اداری آقای هنجنی فرصت هایی پیش می آید تا ایشان همراه شاهنشاه آریامهر در سفر استراحت به سنت موریس - سوییس در راس هیئت همراه قرار بگیرند.

آقای هنجنی پس از بازگشت از ماموریت پر ماجرای پاریس، ۱۳۵۲، ۱۹۷۳ به ریاست اداره دبیرخانه وزارت امور خارجه و سپس در سال ۱۳۵۳، ۱۹۷۴ = ۲۵۱۳ در اداره پذیرایی های دولت منصوب می شوند.

آقای هنجنی در سال ۱۳۵۵، ۱۹۷۶ که آغاز دوران شورش ها علیه دولت شاهنشاهی است و آشوب و نمک نشناسی دانشجویان وابسته به بیگانه در همه شهر های جهان در جریان است، به عنوان (سر کنسول) ژنرال کنسول به ماموریت هوستون - تگزاس آمریکا میروند (۲۵۱۵).

هنوز ماموریت ایشان در این پست تمام نشده که شورش ها بالا میگیرد و دولت غاصب اسلامی در ایران مستقر میشود و همانند هزاران مامور دولت که در سفارتخانه ها، نمایندگی ها و سرکنسولگری ها یا شرکت های ایرانی مستقر در بیرون از کشور به تهران فراخوانده می شوند.

1001 Persian Nights

May I take this opportunity to call your attention to an error in the article "Allah in the Family" by Tom Curtis [TM, April 1977]? The port of Dhahran was correctly described as being located on the Persian Gulf. However, I was surprised to dis-

cover that this same body of water was later referred to as the "Arabian Gulf." Please note that this body of water has historically been known as the Persian Gulf.

Hassan-Ali Hanjani
Consul General of Iran
Houston

در دوران خدمت در هوستون تکزاس روزنامه محلی تکزاس مانتلی (تکزاس ماهانه) نوشته ای که در بخشی از آن به درستی به خلیج پارس اشاره شده و در بخش دیگر نام جعلی را بکار برده است اعتراض می کنند که نمونه آن اعتراض در همینجا دیده می شود.

دوران ماموریت آقای هنجنی در هوستون نیز بی مخاطره و کم ماجرا نیست زیرا در همان سالها شورش ها و سرکشی های دانشجویان و اعضای کنفدراسیون دانشجویان که زمینه سازی برای شورش های سال ۱۹۷۹ علیه دولت شاهنشاهی است در همه جا شکل میگیرد.

آقای هنجنی پس از بازگشت در سال ۱۳۵۸، که با آغاز سال ۱۹۸۰=۲۵۱۹ همزمان است در اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه مشغول به کار میشوند. این رویه ای بود که دولت غاصب اسلامی برای همه ماموران شاغل در بیرون از ایران بودند اجرا کرد، و خیلی از آنان را در سنین جوانی یا خیلی زودتر از سن بازنشستگی از خدمت معاف کرد.

آقای هنجنی هم استثناء نبودند و در سال ۱۳۵۹، برابر با سال ایرانی ۲۵۱۹ (۱۹۸۰) در سن ۵۴ سالگی به بازنشستگی اجباری تن میدهند.

Mr. Hassan-Ali Hanjani, who he gained his title as His Excellency during his career is one of select individuals employed by the Ministry of Foreign Affairs of the Imperial Iranian government.

Mr. Hanjani born on the 26th of January 1927 equivalent to the Iranian calendar which started the effective peaceful walk of Cyrus the Great to Babylon, (2466).

He passed his schooling and high-school with high marks entering into the University of Tehran with a major in Law and Political Science.

Those years of Iran's life were difficult and dangerous, politically and economically.

In the midst of years from 1946-1947 the Iranian Imperial Army had to focus on recovering and rescuing Azarbaijan province from falling into chaos that "Sect of Democrat" imposed by Communist Russia into Iran.

During the Second World War, the allies, including Britain and Russia (USSR) that during Reza Shah the great invaded Iran caused enormous complications in the Iranians' life. Famine, Starvation and economic uncertainty, inflation, unemployment spread into every level of society. Therefore the country was under tremendous pressure. The land occupied under the boots of the allies (Russia (USSR), England and USA), many of the Prisoners of War migrated into Iran.



On 25th day of August, 1945 Seyyed Jafar Pishehvari, who was editor of "Azhir" newspaper published in Tabriz, produced a communiqué declaring the independence of Azarbaijan province and continued with the establishment of the "National Parliament of Azarbaijan" followed by toppling the governor of Tabriz invading the key

offices of the province. (Above Pishevari and his entourages).

During these chaotic days, the true children of Iran continued their studies and research, and Mr. Hanjani was not an exception to this trend.

Mr. Hanjani passed his university studies with high marks entering his first job at the Ministry of Foreign Affairs. This was his first government job. Because he was an excellent student during university, he had no trouble entering into a ministerial job.

The Picture shows Pishehvari and his collaborators

Mr. Hanjani's first job starts at the Ministry of foreign affairs 1950. He is assigned a job in the archive department, where he had hands on treaties, years of studies and communications elevating his knowledge not only to the diplomatic details but also organization skills.

It is in 1952, equivalent to the Iranian Calendar of 2491 in which he was transferred into his second responsibility within the Ministry of Foreign Affairs, as employee of the department of Cultural Relations. In the next year, he was given an important mission in handling confidential materials, in which he developed new skills and proved himself as a trustworthy individual.

In 1953, he was transferred to The Hague (Netherlands) as Secretary in the Iranian Imperial Embassy.

Two years later, 1955, he was transferred to a higher ranking embassy in Stockholm (Sweden). Three years later, in 1958, he had to return to the capital of Iran, Tehran and a new job assigned to him in the Protocol Department of the Ministry of Foreign Affairs. It is at this department that he learns, not only the organization, protocols but also he learns dealing with other diplomats.

At the end of 1961 he was commissioned to work in Ottawa (Canada) as a young Diplomat carrying the experience he had gained in the various preceding jobs.

In 1963, he was commissioned to working with the Iranian Delegation to the UN, in Geneva (Switzerland).

His mission in Geneva ended in 1965 returning to Tehran, working as the second in command to the Economy Department of the Ministry of Foreign Affairs. In 1966 he was transferred to the Ministry's Secretariat. At this Era His Excellency Mr. Ardeshir Zahedi was appointed as Minister of Foreign Affairs following his precedence Mr. Abbas Aram, and His Excellency Mr. Amir Abbas Hoveida as Prime Minister which was executed in 1979.

Mr. Hanjani at this period directed one of the most important departments of the Ministry of Foreign affairs, the Coding Department in direct communication with the Foreign Minister and the Ministry of the Imperial Court.

Mr. Hanjani who had now gained more experience and developed his knowledge graduated into a First Degree Chancellor. He moved into an important position as Counselor General of Imperial Iranian Embassy in Paris (France), 1968.

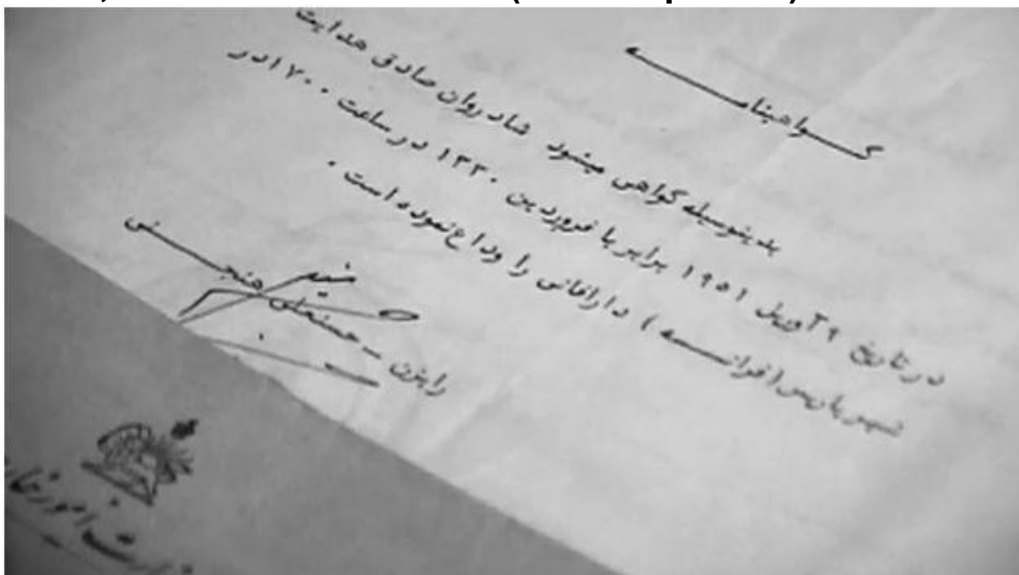
Handling, two sensitive and important departments of students and consulate affairs in such sensitive post requires special skills. Mr. Hanjani is guiding and directing over ten people as employees. Most of students in Paris have tendencies toward Socialism and Communism, many of them who are part of "Students Confederation" having liaisons with Communist parties supported by Communist Russia, and perhaps China.

Mr. Hanjani works within the Embassy that was guided by an excellent individual, General Hassan Pakravan, Ambassador, and seconded by a gentleman, Mr. Assadollah Fahimi, as well as the recently deceased Mr. Farhad Sepahbodi (2014).

This era of Mr. Hanjani's career coincides with the 2500 year Celebrations of Monarchy, as well as development growth not only economically but also politically, therefore many of those students who are patriotic and eager participants in this growth are recruited by Mr. Hanjani in collaboration with special envoy of Shahanshah, Mohamad Reza Pahlavi, in reversing the Brain Drain.

At the fresh start of Mr. Hanjani's career in Paris, 1968, a few leftists invade the Imperial Embassy of Iran in Paris, during which the person in charge of the Embassy's affairs, in absence of the Ambassador is hesitant to sign a special request in order for the French Police to remove the occupying students out of the Embassy Territory, therefore Mr. Hanjani takes the responsibility of signing the famous document putting an end to the students riot. This saves the integrity of the embassy as well as assets of the people of Iran.

During this mission, the Ministry of Foreign Affairs is investigating the death of a famous Iranian thinker, writer and author Sadegh Hedayat, who had committed suicide in 1951. Personnel request a death certificate and Mr. Hanjani reports that Mr. Sadegh Hedayat's death occurred on the 9th of April 1951, at 17:00 of local time. (See the picture)



During Mr. Hanjani's career, there are many occasions that he directed a team of experts during Shahanshah Mohammad Reza Pahlavi's official or unofficial visits to Switzerland.

Mr. Hanjani at the end of his mission returned from Paris in 1973, directs Ministry of Foreign Affairs Secretariat for the Foreign Minister. Furthermore in 1974 he moves to the department known as "Hospitality" related to the Protocols of services.

It is in early 1976 that turmoil guided by external powers starts in Iran, during such a critical juncture, Mr. Hanjani is commissioned to direct the Iranian General Consulate in the very sensitive city of Houston, Texas (USA). In 1979 Mr Hanjani was recalled back to Tehran although his assignment has not yet been completed.

During the mission in Houston, Texas, the Texas Monthly, publishes an article which in a section named the historic name of the Persian Gulf but in another part used the improper name, therefore Mr. Hanjani writes a note to correct the publisher, (See the picture herein).

1001 Persian Nights

May I take this opportunity to call your attention to an error in the article "Allah in the Family" by Tom Curtis [TM, April 1977]? The port of Dhahran was correctly described as being located on the Persian Gulf. However, I was surprised to dis-

cover that this same body of water was later referred to as the "Arabian Gulf." Please note that this body of water has historically been known as the Persian Gulf.

*Hassan-Ali Hanjani
Consul General of Iran
Houston*

Mr. Hanjani's mission in Houston is not calm, thus the communists and mercenary students demonstrate against Iran's Interest leading to the turmoil of 1979.

Mr. Hanjani returns to Tehran in 1980, he has been given a post at the 3rd Department of the Ministry of Foreign Affairs, then as it was Islamic Regime's practice, a year later Mr. Hanjani is forced into early retirement at age 54.